

# پانزده گفتار در باب ترجمه

دکتر سعید فیروزآبادی

## فهرست

پیش‌گفتار.....	۵
مقدمه.....	۷

### بخش اول

گفتار نخست: ترجمه، رانندگی و بازی شطرنج.....	۱۹
گفتار دوم: ترجمه و شیوه‌ی نگرش مترجم.....	۲۷
گفتار سوم: زبان و ترجمه.....	۴۱
گفتار چهارم: فرهنگ، زبان و متن.....	۵۳
گفتار پنجم: ترجمه و نسبیت زبانی.....	۶۳
گفتار ششم: موقعیت و ترجمه.....	۶۹
گفتار هفتم: ترجمه و متن.....	۷۷
گفتار هشتم: برابری در ترجمه.....	۸۷

### بخش دوم

گفتار نهم: معادلیابی حرف تعریف و دشواری‌های ترجمه‌ی آن.....	۹۷
گفتار دهم: مقایسه ضمائر آلمانی و فارسی و شیوه‌ی ترجمه‌ی ضمائر.....	۱۰۳
گفتار یازدهم: ترجمه‌ی اسامی خاص.....	۱۰۹

گفتار دوازدهم: نگاهی به مشکلات ترجمه‌ی افعال معین و شبه معین . . . . .	۱۱۷
گفتار سیزدهم: ترجمه برخی از قیده‌های احساسی از زبان آلمانی . . . . .	۱۲۷
گفتار چهاردهم: دشواری‌های ترجمه‌ی جمله‌های توصیفی از آلمانی به فارسی	
.....	۱۳۹
گفتار پانزدهم: تداخل دستوری جمله‌های مجهول آلمانی و فارسی . . . . .	۱۴۷
پاسخ تمرین‌ها . . . . .	۱۵۳
واژه‌نامه . . . . .	۱۶۹
کتابنامه . . . . .	۱۷۳

## پیشگفتار

در باب اصول و روش‌های ترجمه در دو دهه‌ی اخیر کتاب‌های بسیاری ترجمه و تألیف شده است. به دلیل منابع و مراجع و همچنین مخاطبان این آثار که بیشتر دانشجویان رشته‌های تربیت مترجم زبان انگلیسی هستند، بیشتر مثال‌های مطرح در این آثار به زبان انگلیسی است. از این رو، برای دانشجویان تربیت مترجم سایر زبان‌ها چندان مفید فایده نیست. به همین دلیل در کتاب حاضر، هدف آن بود که با بهره‌گیری از منابع موجود زبان‌های آلمانی و فارسی کتابی متناسب با اهداف درس اصول ترجمه برای دانشجویان تربیت مترجم زبان آلمانی را ترجمه، گردآوری و تألیف کنم. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در کتاب حاضر ضمن معرفی نظریه‌ای خاص با رویکردی کنش‌گرا، سعی شده است در تمرین‌ها به صورت گذرا نگاهی به دیگر نظریه‌های ترجمه نیز انجام پذیرد.

کتاب دو بخش دارد که در بخش نخست مسایل نظری و در بخش دوم مسایل عملی ترجمه مطرح می‌شود و هدف از نگارش بخش دوم بیشتر انتقال تجربه‌های فردی مترجمان به‌نوآموزان ترجمه است. امید که این کتاب گامی هر چند کوچک، در راه آشنایی دانشجویان با مسایل جدید ترجمه باشد.

دکتر سعید فیروزآبادی

مهر ۱۳۸۷

## مقدمه

از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در دهه‌های اخیر مطرح شده است و به نظر می‌رسد به‌رغم نگارش چندین کتاب و رساله‌ی علمی، هنوز هم چندان روشن و مشخص نیست، پذیرش ترجمه در جایگاه علم است. اگر از دانشجویان رشته‌های مترجمی بپرسیم که نظر آنان درباره‌ی نظریه‌ها و نظریه‌پردازی‌های حوزه‌ی ترجمه چیست، اغلب چنین پاسخ می‌دهند: «ترجمه درست مثل رانندگی است. بسیار پیش می‌آید که کسی بعد از امتحان آیین‌نامه و حتی پذیرفته شدن در امتحان عملی رانندگی باز هم نتواند راننده شود. به‌همین دلیل هم بسیاری از کسانی که ترجمه می‌آموزند، پس از پایان دوره‌های دانشگاهی نمی‌توانند مترجمان خوبی شوند. شاید هم دلیلش این باشد که بعضی‌ها اصلاً رانندگی را به‌درستی نمی‌آموزند و این کلاس‌ها و درس‌ها جز اتلاف وقت نیست. باید مستقیم به‌سراغ متن‌ها رفت و دست به کار ترجمه شد.»

این مخالفت با نظریه‌پردازی در حوزه‌ی ترجمه به‌چندین دلیل است. بی‌شک نخستین دلیل، روش‌های آموزش ترجمه و شیوه‌های تدریس ترجمه در دانشگاه است. بسیاری از مدرسان دانشگاه هم، عقیده‌ی مشابه‌ای دارند و

مشکل‌های فراوانی دارد. برای اثبات این گفته نیاز به نمونه‌های زیادی نیست و کافی است نگاهی کنید به این همه ترجمه و خطاهای معمول. برای نمونه در سال ۱۳۴۹ نمایشنامه‌ای از برتولت برشت با عنوان چهره‌های سیمون ماشار برای اولین بار به فارسی ترجمه و کمی بعد با همین عنوان به روی صحنه رفت.<sup>۱</sup> هیچ کس در این بین و پس از چهار بار تجدید چاپ این کتاب از خودش نپرسید که عنوان این نمایشنامه چه ربطی به خود نمایشنامه دارد. در واقع موضوع نمایشنامه دختری فرانسوی است که در سال ۱۹۴۰ و پس از اشغال فرانسه به دست ارتش آلمان نازی همان نقش ژاندارک را بر عهده می‌گیرد و انبار بنزین را آتش می‌زند تا این بنزین به دست قوای اشغال‌گر آلمان نرسد و مردم هم این دختر را به بهانه‌ی کم‌عقلی و دیوانگی به دیوانه‌خانه‌ای می‌برند و در نهایت در امان می‌ماند. اما نکته‌ی جالب این است که در هر پرده از این نمایشنامه دختر، رویایی را می‌بیند و فرشته‌ای به سراغش می‌آید. ظاهر این داستان هم نشان می‌دهد که عنوان هیچ ربطی به موضوع ندارد، ولی با نگاهی به عنوان متن به زبان اصلی پی می‌بریم که مترجم دچار چه اشتباهی شده است:

#### Gesichte der Simone Machard

واژه‌ی Gesicht در زبان آلمانی چندین معنی دارد که از آن بین می‌شود به صورت، چهره، ظاهر و سیما اشاره کرد. این واژه با این معنی در حالت جمع به صورت Gesichter در می‌آید. اما با دقت بیشتر متوجه می‌شویم که واژه‌ی دیگری نیز با همین شکل در زبان آلمانی وجود دارد که تنها حالت

از همین رو، هنگام تدریس، دانشجویان را وادار می‌کنند که بی‌هیچ مقدمه‌ای به سراغ ترجمه‌ی متن بروند و در این کار دو راه را انتخاب می‌کنند، یعنی یا متونی ساده، ولی طولانی را انتخاب می‌کنند و یا متنی را برمی‌گزینند که بسیار پیچیده است و با این کار سعی می‌کنند با بحث و ترجمه‌ی نمونه‌هایی از این متن‌ها توانایی دانشجویان را در ترجمه بیشتر کنند.

دلیل دوم بیشتر همان ویژگی مخالفت با هرگونه بحث نظری است. بیشتر مترجمان و مدرسان ترجمه باور دارند که خود بدون استفاده از نظریه‌های ترجمه و زبان‌شناسی کار ترجمه را آموخته‌اند و حتی هنگام ترجمه، هرگز به این نظریه‌ها فکر نمی‌کنند. این طرز تفکر و مخالفت بین مترجمان حرفه‌ای بیشتر دیده می‌شود. برخی هم می‌گویند: «کسانی که نظریه‌های ترجمه را مطرح می‌کنند، بیشتر مدرسان دروس زبان‌شناسی دانشگاه‌ها هستند و با این کار تنها وقت را به هدر می‌دهند. بهترین راه فراگرفتن شنا، شهامت و دل به دریا زدن است.»

دلیل سوم هم بسیار ساده است. با وجود این که سال‌هاست روش‌های آموزش زبان دگرگون شده است و دیگر خبری از روش دستور - ترجمه‌ی مرسوم در قرن گذشته نیست، خیلی از مدرسان هنوز هم سعی می‌کنند با کمک ترجمه، به دانشجویان زبان بیگانه را آموزش دهند. به نظر می‌رسد که بهترین راه حل این مشکل تفکیک دو دوره‌ی آموزشی زبان و ترجمه است. این مهم در حال حاضر در برخی دانشگاه‌ها انجام پذیرفته است.

دلیل چهارم آن است که هر کسی فکر می‌کند با دانستن زبانی بیگانه می‌تواند قلم به دست بگیرد و ترجمه کند و بدیهی است که گروهی هم به نادرست باور دارند که «هر کسی زبان مادری خودش را بی‌تردید بلد است.» شک نکنید که خیلی از ترجمه‌های موجود به همین دلیل چهارم،

۱. برای آگاهی از سرگذشت ترجمه‌های برشت و دیگر نویسندگان آلمانی به کتاب زیر از همین قلم نگاه کنید: (۱۳۸۳): *بازتاب ادبیات آلمانی در ایران*، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.